

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۵ فیبروری ۲۰۲۳



یونس نگاه

داستان فریبنده اختلافات رهبران طالب

از مدتی به این سو تبصره‌های بسیاری بر سر اختلافات درونی طالبان در رسانه‌ها مطرح شده و در مورد عواقب آن اختلافات گمانه‌زنی‌هایی جریان دارد. حتا از کودتای احتمالی در کابل نیز صحبت شده است. به‌تازگی برخی زورمندان طالب نیز انتقادهایی را در مجلس‌های علنی از وضعیت موجود و سیاست‌های رهبری گروه مطرح کرده‌اند. برخی محافل خارجی تبلیغ می‌کنند که در درون طالبان کسانی هستند که اگر فرصت بیابند، در ساختن نظامی که برای جامعه بین‌المللی قابل قبول باشد و بتوان آن را به رسمیت شناخت، گام‌های جدی بردارند. کسانی از درون طالبان هم می‌کوشند با موضع‌گیری‌های خود گاهی آن تصور را تقویت کنند. اما اگر گذشته معیار قضاوت باشد، نباید به تحول مثبت از درون طالبان امید بست. حدود سه دهه حضور این گروه در عرصه سیاست باید زمان کافی باشد تا بدانیم که ریشه‌های فکری، پایگاه‌های اجتماعی و تکیه‌گاه‌های مالی و استخباراتی این گروه امکان چه کارهایی را برایش می‌دهد و باید از آن چه انتظاراتی داشت.

در دور نخست نیز وقتی طالبان به میدان آمدند، گفته می‌شد که در درون آن گروه نیروهای غیرطالبانی از جمله حامیان ظاهرشاه حضور دارند و وقتی قدرت را بگیرند، دولت سراسری قانونی تشکیل خواهد شد و طالبان به مدارس خود برخواهند گشت. گمانی رهبران و فرماندهان طالب فرصت گمانه‌زنی‌ها و تبلیغات عجیب و غریب را مهیا کرده بود، از جمله برای تعدادی از نام‌های مرموز چون ملا برادر که اکنون نیز «مایه امید» برخی محافل خارجی و فریب‌خوردگان داخلی شده است، هویت‌های عجیب و غریب می‌تراشیدند. یکی را کرنیل پاکستانی، دیگری از کادر خلقی و کسانی را نفوذی‌های ظاهرشاه و نیروهای لیبرال ساکن غرب می‌خواندند. در میان احزاب و سازمان‌های سیاسی از این صحبت‌ها بسیار می‌شد و خیلی نیرو و وقت هدر می‌دادند. اما عمل‌کرد طالبان نشان داد که آن گروه از یک جریان سیاسی-اجتماعی نمایندگی می‌کند که طی سال‌های طولانی در اثر تبلیغات سیستماتیک و حمایت‌های مالی گسترده در منطقه ما ریشه دوانده، از میان توده‌های وسیع روستائی و محرومان شهری سربازگیری می‌کند، متحدان منطقه‌ئی و جهانی دارد

و دچار توهّمات وحشتناک فکری نسبت به جهان و زندگی است. این نیروی عقبمانده و ظرفیت ویرانگر با مشوق‌های مالی و تسلیم‌طلبی‌های سیاسی مهار نمی‌شود و به اعتدال نمی‌گراید، بلکه قوی‌تر و مخرب‌تر می‌شود. تمایلات فردی تعدادی از قدرت‌مندان طالب نیز نمی‌تواند مسیر این گروه ارتجاعی را که علت وجودی‌اش نفی و تخریب است و در منظومه فکری‌اش ساختن و آباد کردن جایی ندارد، با تروریسم و جهادگرایی جهانی درهم تنیده و به اقتصاد سیاه و مافیائی معتاد است، چنان متحول سازد که یکباره به نیروی سیاسی صاحب صلاحیت اداره کشور و رهبری ملت بدل شود. چنین تحول آرمانی اگر ممکن هم باشد، از راه تسلیمی و دادن امتیازات مالی و سیاسی میسر نمی‌گردد، بلکه گروه طالبان مثل هر پدیده اجتماعی یا باید به اجبار و از طریق مبارزه و ایستادگی خنثا شود و یا باید گذاشت تا به تدریج و طی یک دوران دردناک و بسیار طولانی رویارویی با واقعیت‌ها در درون جامعه هضم شود.

چشم‌داشتن به تحول مثبت از درون طالبان اشتباه است. آن گروه با عناصر و ریشه‌های کنونی‌اش ظرفیت اقدام مثبت را ندارد. طالبان نیروی شر است و برای ملت افغانستان جز ایستادگی و مبارزه برای عبور از این دوران سیاه طالبانی، گزینه دیگری به چشم نمی‌آید. اگر سببیت تروریستی آن گروه، اقدامات وحشیانه و سرسختی آن در برابر تغییر را که در نزدیک به سه دهه شاهد بودیم کنار بگذاریم، یکونیم سال اخیر درس‌های فراوان از واهی بودن امید به تغییر طالب، دارد. مخالفان طالبان اگر نتوانند خود را انسجام بخشند و همچنان گوش‌به‌زنگ اعتراض سراج‌الدین حقانی در برابر ملا هبت‌الله و نارضایتی ملا برادر و امثال‌شان بمانند، در تداوم بربادی کشور سهم خواهند داشت و نسل‌های آینده تنها به طالبان نفرین خواهند کرد، بلکه به هزاران آدم سیاسی، صاحب امکانات و مسؤلیت تاریخی که منفعلانه بربادی کشور و رنج مردم را تماشا می‌کنند، نیز نفرین خواهند فرستاد.